اما فرشته به زنان متوجه شده، گفت: «شما ترسان مباشید! می‌دانم که عیسای مصلوب را می‌طلبید. در اینجا نیست زیرا چنانکه گفته بود برخاسته است. بیایید جایی که خداوند خفته بود ملاحظه کنید. متی ۲۸: ۵-۶

رستاخیز مرموز

سربازی به مدت دو یا سه سال برای انجام وظیفه‌اش هزاران کیلومتر دورتر از خانه‌اش به‌سر برده است و اکنون در راه بازگشت به سرزمین خودش است. همینطور که به مرزهای کشورش نزدیک می‌شود، شادی در قلبش اوج می‌گیرد. او دیدارهای لذت‌بخشی را تصور می‌کند که قرار است به زودی با خانواده و دوستانش داشته باشد. او مادر، خواهر و همسرش را تصور می‌کند و همینطور که به پسر کوچکش فکر می‌کند که چقدر در این مدت بزرگ شده است، لبخندی بر لبانش نقش می‌بندد.... او فکر می‌کند که پس از گذشت این مدت، قطعاً تغییراتی کوچک در ظاهر عزیزانش به وجود آمده است و تلاش می‌کند تصویر ذهنی‌اش را بر این اساس تنظیم کند. پس او در حال تصور واقعه‌ای در آینده بر اساس تجربه‌های گذشته است.

زمانی که رستاخیز مسیح صورت گرفت، تمام افکار و تصورات در هم شکست. ما هیچ تجربه‌ای نداریم که بخواهد ما را راهنمایی کند. زمانی که مسیح از مردگان برخاست، کاری را انجام داد که هیچ کسی پیش از او انجام نداده بود. ما هرگز نمی‌توانیم تصور کنیم که او چگونه این معجزه را به انجام رساند. ما حتی نمی‌دانیم که در تاریکی و سکوت قبر جدید یوسف، دقیقاً چه اتفاقی افتاد. این که او زنده و به صورت ابدی از آن قبر خارج شد، ایمان کلیسا را از همان ابتدا بنا ساخت ولی اینکه این مهم چگونه اتفاق افتاد، یک راز است. ما همیشه باید توصیه حکیمانه جان وسلی را در ذهن داشته باشیم: «به این دلیل که نمی‌دانیم یک حقیقت چگونه اتفاق افتاده است به حقانیت آن شک نکنیم». رستاخیز مسیح یک حقیقت است ولی بیشتر از این را باید تحقیق کنیم و بیاموزیم.

## ای پدر آسمانی، من کلام مقتدر تو را مبنی بر رستاخیز مسیح قبول کرده‌ام و نیازی هم نیست که بدانم چگونه! همین قدر که میدانم نجات‌دهنده‌ای زنده را خدمت می‌کنم کافی است. آمین

*برگرفته از آثار W. A. Tozer*